

دنیا طلبی انسان را گرفتار دام وسوسه ها می کند

صاحب تفسیر مشکاة گفت: کسی که دنیا را هدف قرار دهد، گرفتار دامها و وسوسه های آن می شود و هیچ حد و مرزی برای دستیابی به مقاصد خود نمی شناسد.



صاحب تفسیر مشکاة گفت: کسی که دنیا را هدف قرار دهد، گرفتار دامها و وسوسه های آن می شود و هیچ حد و مرزی برای دست یابی به مقاصد خود نمی شناسد.

محمدعلی انصاری صاحب تفسیر مشکاة به گزارش ایکنای از خراسان رضوی، محمدعلی انصاری، صاحب تفسیر مشکاة، در نشست‌ای که محتوای آن از کانال های مجازی منتسب به این مفسر قرآن کریم منتشر می شود، با موضوع «دنیا در نهج البلاغه» اظهار کرد: انسان در مسیر زندگی همواره با این پرسش روبه روست که راه درست ایمان چیست و چه چیزی او را به اوج بندگی و سعادت می رساند. پیامبران الهی پاسخ این پرسش را در کلام و سیره خود بیان کرده اند و پیامبر اکرم(ص) فرمودند که چاره کار در ایمان، طلب هدایت، استعانت، توکل و در نهایت در تقواست.

وی با بیان اینکه تقوا سازوکار الهی است که انسان را به ایمان حقیقی می رساند و او را به قله های معنویت متصل می سازد، بیان کرد: ضرورت تقوا و چرایی آن بارها در قرآن و سخنان معصومان مورد تأکید قرار گرفته است، اما پرسش اینجاست که با وجود این زمینه و فیض آماده، چرا بسیاری از انسان ها به تقوا نمی رسند و به ثمرات آن متصل نمی شوند.

صاحب تفسیر مشکاة ادامه داد: امیرالمؤمنین علی(ع) به عنوان حکیم الهی، ریشه این مشکل را در دنیا می جوید و نشان می دهد که آسیب اصلی انسان ها در همین جهان مادی است. ایشان پرده از این واقعیت برمی دارد که انسان ها چگونه در مسیر الهی گاهی مانده و از رسیدن به مقصود بازمی مانند.

انصاری بیان کرد: نزدیکی به خیر و سعادت گاهی مانند کسی است که ناچار به اداره یا محل کار می رود، نزدیک است اما میلی ندارد؛ اما گاهی نزدیکی با شور و اشتیاق است، مانند کسی که پس از سال ها انتظار به حرم امن الهی نزدیک می شود. این شور و اشتیاق، شعله های عشق و اتصال را در دل انسان برمی افروزد و او را به فیض متصل می کند. قرآن درباره بهشت می فرماید که بهشت با اهل تقوا نزدیک است، نه اینکه تنها انسان ها مشتاق باشند، بلکه خود بهشت نیز مشتاق دیدار آنان است.

وی افزود: امیرالمؤمنین(ع) در نهج البلاغه انسان، خدا و دنیا را به صورت جامع معرفی می کند. هر آنچه در نهج البلاغه آمده، یا به خدا بازمی گردد، یا به انسان و ظرفیت های وجودی او، یا به دنیا و حقیقت آن. امیرالمؤمنین(ع) خداوند را با بیانی معرفی می کند که هیچ متنی جز قرآن به آن نمی رسد، انسان را با تمامی فرصت ها، تهدیدها و ظرفیت هایش بازگو می کند، و دنیا را با دو منظر معرفی می کند: گاه دنیا را خانه صدق، محل زاد و توشه و مسجد عاشقان خدا معرفی می کند، گاه همان دنیا را جیفه ای آلوده و مرداری نشان می دهد که طالب آن مانند سگانی بر سر تکه ای گوشت به جان هم می افتند.

صاحب تفسیر مشکاة گفت: اما این دو دنیا، در واقع دو نگرش است؛ ماهیت دنیا یکی است، تفاوت در نگاه و تعامل انسان با آن است. اگر دنیا معبر و وسیله باشد، مقدس و پاکیزه است و اگر مقصد و مطلق شود، آلوده و مایه سقوط می گردد. بنابراین، دنیا نه تهدید است و نه مطلقاً مطلوب، بلکه ابزاری است که انسان می تواند با آن مسیر سعادت را طی کند. هر نعمتی که خداوند در این دنیا قرار داده، از خوراک و معاشرت گرفته تا تجارت و مسئولیت های اجتماعی، اگر در چارچوب حدود الهی و با هدف آخرت مورد استفاده قرار گیرد، به سعادت می انجامد.

انصاری تصریح کرد: تلاش اقتصادی، کار و کوشش انسانی، اگر برای عزت دین، خانواده و عقیده باشد، نه تنها مذموم نیست، بلکه عمل صالح و توشه ای برای آخرت است. اما اگر دنیا مقصد نهایی شود و انسان همه همتش را برای تأمین شهوت ها و آرزوهای نفسانی صرف کند، آن دنیا به جیفه ای آلوده بدل می شود و انسان زیان دیده ترین موجود خواهد بود.

وی گفت: امیرالمؤمنین(ع) با این تحلیل نشان می دهد که ریشه ناکامی انسان ها در نرسیدن به تقوا، نگاه نفسانی به دنیا و غفلت از حقیقت آن است. کسی که دنیا را هدف قرار دهد، گرفتار دامها و وسوسه های آن می شود و هیچ حد و مرزی برای دست یابی به مقاصد خود نمی شناسد، اما آن که دنیا را وسیله ای برای عبور و رشد معنوی بداند و بهره برداری از آن را در چارچوب الهی تنظیم کند، هم دنیا و هم آخرت را خواهد یافت. این همان کلیدی است که انسان را از اسارت دنیا نجات می دهد و او را به مقام اتصال و سعادت می رساند.